

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی- پژوهشی)، شماره سوم- پاییز و زمستان ۱۳۸۹

دکتر حسن عبداللهی (دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)
سید محمد امام زاده (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد)

تاریخ شعری عربی؛ حسن قریحه علمای شیعه در دو قرن اخیر

چکیده

تاریخ شعری صنعتی ادبی است که شاعر در آن، تاریخ وقوع حوادث و وقایع مهم و تلخ و شیرین را با ماده تاریخی مناسب ضمن یک یا چند بیت خود می آورد. این صنعت زیبای شعری در اشعار برخی از علمای شیعه، در دو قرن اخیر به گونه‌ای جذاب و زیبا دیده می شود. این گفتار مناسبت‌ها و مضامینی که در برهه زمانی یادشده در شعر علمای شیعه به صورت ماده تاریخ شعری وارد شده و نیز محاسبه ماده تاریخ‌ها و به ویژه برخی تاریخ‌های شعری بیچیده و معماگونه و خطای محاسبه بعضی از آنها را توضیح می دهد و در نهایت به بیان زیبایی‌های این گونه اشعار می پردازد.

کلید واژه‌ها: شعر تاریخ، ماده تاریخ، شعر عربی، علمای شیعه، حساب ابجدی (جمل).

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۲۳

پست الکترونیکی: emamzadeh@um.ac.ir hsnabdollahi@yahoo.com

مقدمه

در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بسیاری از علمای شیعه اشعار زیبایی به زبان عربی در زمینه‌های مدح، رثاء، وصف، غزل و رجزهای آموزشی در علوم مختلف اسلامی و دیگر موضوعات ادبی، سروده‌اند. شعر تاریخ از فنونی است که در دیوان اشعار ایشان ثبت شده است. هنر ساختن یک کلمه، جمله و یا مصراع از شعر که متناسب با حادثه یا واقعه‌ای باشد که شاعر خواسته بر اساس محاسبه حروف ابجدی تاریخ آن را ثبت کند یا نشان دهد، حکایت از حسن قریحه صاحب آن دارد. هدف از ساختن یا سرودن تاریخ شعری معمولاً از موارد زیر خارج نیست:

۱ - ثبت تاریخ حوادث: هرگاه تاریخ حادثه‌ای با حروف ابجد در قالب کلمه و یا جمله‌ای زیبا بیان شود، تا آن شعر باقی است آن تاریخ هم باقی خواهد ماند و با حفظ آن شعر تاریخ آن هم در سینه‌ها ثبت خواهد شد.

۲ - آسان کردن به خاطر سپردن تاریخ حوادث: به خاطر سپردن اعداد و ارقام در ذهن ممکن است آسان نباشد، ولی به خاطر سپردن یک بیت شعر که دارای مفهومی بلند است و با کلمات زیبا و رسا سروده شده، آسان‌تر است.

۳ - گنجاندن چند غرض در یک پدیده: شاعر با ذکر ماده تاریخ شعری اولاً: تاریخ رویدادی را بیان می‌کند، ثانیاً: موضوع بحث خود را تکمیل می‌کند و ثالثاً: هنر خود را جلوه می‌دهد.

پیشینه

در تاریخ پیدایش این فن ادبی میان تاریخ ادبیات نویسان عرب اختلاف نظر وجود دارد. جرجی زیدان معتقد است، پیدایش تاریخ شعری در اواخر عصر مغول بوده است. وی می‌گوید: پیش از اوایل قرن دهم هجری اثری از این صنعت ادبی در تاریخ ادبیات عربی نمی‌یابیم. در این زمان بود که به ذهن برخی از شعرا خطور کرد که می‌توان بر اساس حساب

ابجد کلمه یا جمله‌ای ساخت که از نظر معنی متناسب و مطابق با تاریخ وقوع یک رویداد معین باشد. ولی نمی‌دانیم چه کسی اولین بار این موضوع به ذهنش رسیده و در چه زمانی بوده است؟ (جرجی زیدان، بی‌تا: ۱۲۴/۳). روشن است که مراد جرجی زیدان از «چه کسی»، شاعری است که بتوان اولین تاریخ شعری را به او نسبت داد. اما به گمان ابیاری در تاریخ مواردی دیده شده که نشان می‌دهد این فن ظاهراً در عصر جاهلی توسط شاعران آن دوره به کار رفته است. ولی او دلیل و شهادتی بر مدعای خویش ارائه نکرده است. (بکری، ۱۳۸۳: ۱۷۶). مصطفی صادق الرافعی والاب لویس شیخو بر این باورند که قدیمی‌ترین نمونه از این قبیل اشعار که به ما رسیده است، شعر ابن الشیب دربارہ المستنجد بالله، سی و دومین خلیفه عباسی است. وی می‌گوید:

أَصْبَحْتَ (لَبَّ) بَنِي الْعَبَّاسِ كُلَّهُمْ إِذْ غَدَدْنَا بِحُرُونِ الْعَمَلِ الْخَلْفَا

ابن شیب خواسته بگوید: مستنجد سی و دومین خلیفه عباسی است و کلمه (لب) به حساب حروف ابجد مساوی همین رقم است. (همان: ۱۷۷).

در بیان ایراد و اشکالی که به این شعر و استدلال به آن وارد است، می‌توان گفت که مراد از تاریخ شعری سال وقوع یک رویداد است نه بیان رتبه خلیفه در میان خلفا، زیرا رتبه خلیفه تاریخ به خلافت رسیدن او را بیان نمی‌کند. بنابراین، این بیت نمی‌تواند شاهد بر مدعای ایشان باشد.

در بررسی اشعار علمای قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری، کهن‌ترین شعر تاریخ را در دیوان سید مهدی بحر العلوم، متوفای ۱۲۱۲ هـ. ق، می‌توان دید. وی قصیده‌ای در رثای فقیه نامور، سید احمد قزوینی سروده و تاریخ فوت وی را که سال ۱۱۹۹ هـ. ق بوده، در بیت آخر، چنین بیان کرده است:

وَجَاوَزَ أَهْلَ الْبَيْتِ نَهَا وَأَرْخَا اللَّهُ طَابَتْ الْجَنَاتُ مِنْ طَيْبِ أَحْمَدَا

او در بهشت مجاور اهل بیت شد. و در تاریخ این مجاورت گفته‌اند: «القد طابت الجنات

من طيب احمد» (بهشتها معطر شدند به عطر احمد) (بحر العلوم، ۱۴۲۷: ۱۴۱)

روش محاسبه

شیوه محاسبه به حساب جمل بر اساس حساب حروف ابجد است و به آن حساب ابجدی نیز گفته می‌شود، و ماده تاریخ شعری بر پایه آن بنا می‌گردد. حساب ابجدی دارای هشت کلمه است که نخستین کلمه آن همان ابجد می‌باشد و بقیه عبارتند از: هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظغ.

حروف این کلمات در حساب جمل به صورت زیر به کار برده می‌شود: ا=۱، ب=۲، ج=۳، د=۴، ه=۵، و=۶، ز=۷، ح=۸، ط=۹، ی=۱۰، ک=۲۰، ل=۳۰، م=۴۰، ن=۵۰، س=۶۰، ع=۷۰، ف=۸۰، ص=۹۰، ق=۱۰۰، ر=۲۰۰، ش=۳۰۰، ت=۴۰۰، ث=۵۰۰، خ=۶۰۰، ذ=۷۰۰، ض=۸۰۰، ظ=۹۰۰، غ=۱۰۰۰. (عبداللهی، ۱۴۱۹: ۲۱۵ - ۲۱۴). این حساب نزد عربها حساب جمل خوانده می‌شود، یعنی حساب حروف هجا. روش مشهور محاسبه میان شعرای شیعه، همین شیوه است. ولی روشهای دیگری نیز ذکر شده است به نامهای روش مغربی، روش تهجی و الابد الصغیر که در آنها اعداد اختصاص یافته به هر حرفی با شیوه محاسبه حساب ابجدی یا حساب جمل متفاوت است. روش محاسبه به شیوه مغربی مطابق جدول زیر است که تفاوت جزئی آن با روش مشهور دیده می‌شود.

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ک	ل	م	ن	ص	ع	ف	ض	ق	ر
۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰
ش	ت	ث	خ	ذ	ظ	غ	ش		
۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰		

(فقیه، ۱۴۲۲: ۴۲)

با بررسی اشعار تاریخ، می‌توان گفت که علمای شیعه در دو قرن اخیر تنها از شیوه حساب ابجدی برای محاسبه ماده تاریخ استفاده می‌کردند.

شاعرانی که در اشعار خود این فن را به کار برده‌اند، اصولی را برای آن در نظر گرفته‌اند و خود را مقید به اجرای آن نموده‌اند. از جمله این اصول این است که پیش از ماده تاریخ کلمه «ارخ» یا «ارخوا» و یا مشتقات آن ذکر شود تا روشن شود که مابعد این لفظ ماده تاریخ این رویداد است. به ندرت اتفاق می‌افتد که این کلمات پس از ماده تاریخ ذکر شود. دیگر این که بهتر است ماده تاریخ در یک بیت باشد نه دو بیت یا بیشتر و زینده است که در مصراع دوم یا قسمتی از مصراع دوم بیت آخر باشد. دیگر آن که حروف بر اساس شکل محاسبه شود نه تلفظ آن، بنابراین الف کلمه فتی (یاء) محسوب می‌شود، و تاء تأنیث مبسوط (ت) و تاء تأنیث مربوطه بدون نقطه (ه)، و حروف مشدد یک حرف به حساب می‌آید. همزه‌ای که کرسی ندارد حرف شمرده نمی‌شود و الف اطلاق را الف به حساب می‌آورند. (بکری، ۱۳۸۳: ۱۷۹)

پیرامون فن تاریخ شعری، شرایط و انواع آن کتاب یا مقالات زیادی نوشته نشده است. تنها در بانوشت دیوان محمد مهدی بحرالعلوم نام دو کتاب برده شده که هر دو دست‌نویس و نایاب هستند: یکی به نام (سیکة العسجد فی الحساب بأبجد) تألیف شاعر و فقیه مشهور سید رضا هندی و دیگری به نام (ضبط التاریخ بالأحرف) نوشته جعفر نقدی. (بحرالعلوم، ۱۴۲۷: ۱۴۶). علی خاقانی، کتاب دیگری را نام می‌برد و می‌گوید: شاید شیخ علی بازی از فقهای قرن چهاردهم هجری آخرین شاعری باشد که در این موضوع کتابی در ۵۵۰ صفحه نوشته است. این کتاب هم چاپ نشده و در دسترس نیست. آن‌چنان که خاقانی در شعراء الغری گفته، این کتاب دارای هفت بخش است: ۱- تاریخ تولدها (موالید) ۲- تاریخ انقلابها ۳- تاریخ بنای ساختمانها ۴- تبریک و تهنیت به مناسبت‌های مختلف و تاریخ وقوع آنها ۵- تقاریض، تعریف و تمجید از یک کتاب و تاریخ تألیف آن ۶- تاریخ حوادث سیاسی مختلف ۷- وفیات (خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۷۳/۶).

شاعر در به کارگیری تاریخ شعری در اشعار خود باید ماده تاریخی را انتخاب کند که علاوه بر این که حاصل جمع حروف آن به حساب ابجد با تاریخ مورد نظر مطابقت دارد، به

خاطر سپردن آن نیز آسان باشد و علاوه بر زیبایی با آن واقعه هم مناسبت داشته باشد.

موضوعات تاریخ‌های شعری

مهمترین موضوعات تاریخ شعری در شعر شیعی دو قرن اخیر عبارت است از:

۱- وفیات

تاریخ وفات بزرگان، دوستان و بستگان از زمینه‌هایی است که بیشترین اشعار تاریخ به آن اختصاص یافته است. علت آن گرمی‌داشتن شخص متوفی با ماده تاریخی زیبا است که برای همیشه در خاطره‌ها ماندگار شود. اینک نمونه‌هایی را در این خصوص یادآور می‌شویم:

- سید رضا هندی در رثای سید حسن فرزند ارشد سید ابوالحسن اصفهانی، که توسط فردی در صحن حرم امیرالمؤمنین علیه السلام در سال ۱۳۴۹ هـ ق به قتل رسید، می‌گوید:

حَيَّتْ وَأَنْتَ فِي الدُّنْيَا سَعِيدٌ	وَمُتَّ وَأَنْتَ مَظْلُومٌ شَهِيدٌ
وَمَاذَا ضَرَّ مَنْ فِي اللَّهِ يَفْنَى	وَيَبْقَى بَعْدَهُ الذِّكْرُ الْحَمِيدُ
قَضَيْتَ الْعُمْرَ فِي عَمَلٍ وَعِلْمٍ	وَلَمْ تَسْرِحْ نَفْسًا وَتَسْفِيدُ

بکی عام الفراق القلب شجواً وأرخته: (مضى الحسن الشهيد)

(دیوان سید رضا هندی، ۱۴۰۹: ۱۴۹)

هنگامی که زنده بودی زندگی با سعادتتی داشتی مرگ تو در حالی بود که مظلومانه شهید

شدی.

کسی که در خدا فنا شود زیان نکرده است و پس از مرگ، نام و یاد نیک او باقی است. عمر خود را با علم و عمل سپری کردی و همواره در حال افاده و استفاده بودی.

قلب در سال فراق و جدائی تو، در سوگت گریست و تاریخ وقوع این حادثه را چنین بیان

رد: «مضی الحسن الشہید» (حسن شہید از دنیا رفت).

شاعر تاریخ شہادت سید حسن را در عبارت «مضی الحسن الشہید» بیان کرده است در این عبارت کوتاه علاوه بر تاریخ وفات نام مرحوم ذکر شده و به شہادت وی نیز اشاره شده است.

با توجه به ماده تاریخ ذکر شده، تاریخ شہادت سید حسن ۱۳۴۹ می باشد.

مضی = ۸۵۰، الحسن = ۱۴۹، الشہید = ۳۵۰، مجموع ۱۳۴۹ می باشد.

- همین شاعر در تاریخ وفات شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ

طوسی) که به سال ۴۶۰ هـ. ق رخ داد، می گوید:

یا مرقد الطوسی فیک أنطوی	محبی العلوم فعدت أظیب مرقد
بک شیخ طائفه الدعاء الی الهدی	وَمُجْمَعُ الأحکامِ بَعْدَ تَبَدُّدِ
أودی بِنِشهرِ مُحَرَّمِ فأضافه	حزناً لفاجعِ رُزتهِ الْمُتَجَدِّدِ
وبکی له الشرعُ الشریفُ مؤرخاً	(أبکی الهدی والذین فقدُ مُحَمَّد)

(دیوان سید رضا هندی، ۱۴۰۹: ۱۴۷)

ای آرامگاه شیخ طوسی، در زمین تو احیاء کننده علوم اهل بیت آرامیده است بنابراین تو نیکوترین و پاکترین آرامگاه می باشی.

در خاک تو بزرگ طایفه دعوت کنندگان مردم به هدایت قرار گرفته است، آن کسی که گردآورنده احکام الهی پس از پراکندگی آن بود.

در ماه محرم وفات یافت، با این مصیبت جدید بر اندوه این ماه افزوده شد.

در سوگ او شریعت شریف گریست و در تاریخ وفات او گفت: «أبکی الهدی والذین فقد محمد» (فقدان محمد [شیخ طوسی] هدایت و دین را به گریه درآورد).

این ابیات بر سر در آرامگاه شیخ طوسی در نجف اشرف نوشته شده است. در این ماده تاریخ علاوه بر آن که نام متوفی آورده شده به حزن و اندوه شریعت در فاجعه مصیبت باری که از این فقدان دامنگیر دین شده نیز اشاره شده است.

أبکی = ۳۳، الهدی = ۵۰، والذین = ۱۰۱، فقد = ۱۸۴، محمد = ۹۲، مجموع ۴۶۰ می باشد.

- شیخ علی بازی در تاریخ فوت فقیه نامی محمدحسین کاشف الغطاء می گوید:

قَضَى الْحَسِينُ نَحْبَهُ وَ أَسْفَا
وَالشَّرْعَهُ الْغَرَآ بِكَتْ مُخْتَارَهَا
اللَّهُ لَمَّا لِلجَنَانِ اخْتَارَهُ
لِبَاءِ أَرْخِ (وَالْحَسِينُ اخْتَارَهَا)

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۱۲۹/۸)

افسوس، حسین [مراد کاشف الغطاء است] از دنیا رفت و شریعت تابناک بر فقدان این فرد برگزیده اش گریست.

هنگامی که خداوند او را برای بهشت برگزید دعوت پروردگار را لبیک گفت. و تو در تاریخ وقوعش چنین بگو «والحسین اختارها» (حسین بهشت را برگزید). در این ماده تاریخ علاوه بر آن که نام متوفا آورده شده به جایگاه وی در آخرت نیز اشاره شده است.

تاریخ وفات محمدحسین کاشف الغطاء، بر اساس این ماده تاریخ سال ۱۳۷۳ می باشد که درست مطابق سال فوت این فقیه عالیقدر است.

$$6+1+8+3+0+6+1+0+5+0+1+6+0+0+4+0+1+2+0+0+5+1=1373$$

۲- ولادتها

- سید رضای هندی متوفای ۱۳۶۲ هـ. ق در قصیده صاحبیه که در ردّ بر قصیده بغدادیه سروده در خصوص تاریخ ولادت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) می گوید:

ومولده (نور) به یشرق الهدی
وقیل لظامی العدل مولده (نهر)

ولادت حضرت مهدی (عجل الله فرجه) (نور) است که بواسطه آن چراغ هدایت می درخشد و به تشنه عدالت گفته شده که میلاد آن حضرت (نهر) است.

کلمه (نور) به حساب ابجد ۲۵۶ و کلمه نهر ۲۵۵ می باشد. (عبداللهی، ۱۴۱۹: ۲۱۴) در این ماده تاریخ دو نکته وجود دارد: ۱- کلمه اُرْخِ یا مشتقات آن پیش از ماده تاریخ ذکر نشده ۲- به اختلاف مؤرخان در تاریخ ولادت آن حضرت اشاره شده است.

- عالم بزرگوار شیخ محمد زینی متوفای ۱۲۱۶ در تهنیت به سید مهدی بحر العلوم به مناسبت تولد فرزندش سید محمد قصیده ای سروده که در آخرین بیت آن ماده تاریخ تولد وی را که سال ۱۱۹۷ هـ. ق می باشد، ذکر کرده است. قصیده با مطلع زیر آغاز می شود:

بشری فُقدَ وافى السرورُ السرمُدُ وقارنَ الاقبالَ صبحُ اسعدُ

و در بیت آخر می گوید:

فَدُ زَالُ أَقْصَى السَّوْءِ حِينَ أَرَّخُوا (قره عین للوری محمد)

(خاقانی، ۱۰۴۸: ۲۵۰/۱۰)

مژده و بشارت باد که سرور و شادمانی همیشگی شد و اقبال و بخت مقارن صبح سعادت گردید.

تمامی بدیها از بین رفت هنگامی که در تاریخ ولادت فرزندت گفتند: «قره عین للوری محمد» (نور چشم مردم محمد است).

در این ماده تاریخ علاوه بر آن که نام فرزند سید آورده شده به جایگاه وی در میان مردم نیز، اشاره شده است.

۳- تأسیس یا تجدید بناهای ماندگار

در اکثر بناهای مقدس دینی و مذهبی مانند مساجد، حسینیه ها، حرم امامان معصوم و دیگر اماکن ماندگار رسم بر این بوده است که نام بانی و سال بنا یا تجدید بنا بر سر در آنها نوشته شود. این تاریخها به حساب جمل درآمده و ماده تاریخ آنها به شکل شعر نگاشته شده است. سید رضا هندی در بیان تاریخ نصب در حرم کاظمین در سال ۹۶۹ وی می گوید:

إن جنتَ ساحلَ مولی تیَّارُ جَدَواهِ مائِحُ

ارخُ (بیسابک لُذنا و انتَ بابُ الحوائجِ)

(رضا هندی، ۱۴۰۹: ۱۴۶)

هرگاه به ساحل جود و بخشش مولا بیایی [مقصود از مولا، امام موسی کاظم علیه السلام

است [که جریان عطای او مواج است.

در تاریخ آن بگو: «بیا بک لذنا و أنت باب الحوائج» (به حرم تو پناه آورده ایم که تو باب الحوائجی).

مقصود شاعر این است که تو طریق رسیدن مردم به حاجاتشان هستی.

شیخ عباس قمی گوید: امام موسی کاظم (ع) در میان مردم به باب الحوائج معروف است. توسل به آن حضرت برای شفای بیماری‌های ظاهری و باطنی و دردهای اعضا خصوصاً درد چشم مجرب است. (قمی، ۱۳۰۸: ۹۰۱).

این ماده تاریخ حاوی دو نکته است: یکی پناه آوردن شاعر به آن امام همام و دیگری بیان لقب و صفت آن حضرت. علاوه بر این اشاره شده است که این ماده تاریخ درباره در حرم می‌باشد.

– سید باقر هندی برادر سید رضا که او نیز از علمای قرن چهاردهم هجری است در بیان ماده تاریخ پایان کاشی‌کاری صحن حرم حضرت علی علیه السلام ایاتی آورده است. این ابیات را می‌توان بر سر در شرقی حرم مشاهده کرد. او در این خصوص می‌گوید:

حَضْرَهُ قَدَسٍ قَدْ سَمَا سَمُكُهَا	تَزْدَحِمُ الْأَمْلَاقُ فِي بَابِهَا
يُؤَدُّ جِبْرَائِيلُ لُوْأَنَّهُ	يُفْسِدُ مِنْ جُمَّلِهِ حُجَابِهَا
الْبَابُ بَابُ اللَّهِ تَارِيخُهُ	(باب علی لَدْ بَاعْتَابِهَا)

(سید باقر هندی، ۱۴۱۴: ۱۱۷).

حریم قدسیان بر آسمان بلند برافراشته شد. فرشتگان در درگاهش از دحام کرده‌اند.

جبرئیل آرزو می‌کند که از دربانان این حریم به شمار آید.

این در، در رسیدن به خداست و تاریخ بنای آن عبارت است از: «باب علی لَدْ بَاعْتَابِهَا» (در علی است به آستانش پناه ببر)

در این ماده تاریخ علاوه بر ذکر در و علی، شاعر اعتقاد خود را در خصوص پناه بردن به این آستان بیان کرده است. این کاشی‌کاری در سال ۱۳۲۷ هـ. ق به پایان رسید.

- سید مهدی اعرجی از فقهای بزرگ شیعه، شهرت زیادی در سرودن اشعار تاریخ در مناسبتهای گوناگون دارد. دو مورد از ماده تاریخهای زیبای او را نقل می‌کنیم:
یکی تاریخ برق رسانی به صحن و حرم علوی و روشن شدن آن بارگاه ملکوتی به سال ۱۳۴۲ هـ. ق است. این کار توسط یکی از بازرگانان ایرانی به نام معین التجار انجام گرفت. او در این خصوص می‌گوید:

لَقَدْ أَضَاءَ الْكَهْرِبَاءُ بَعْدَمَا
كَانَتْ لِبَالِنَا عَلَيْنَا مُظْلَمَةً
كَأَنَّهُ وَالصَّحْنُ كَالْأَفْقِ لَهُ
مُدَّ أَرْخُوه (شهب منظمه)

برق حرم را روشن کرد در حالی که بسی از شبهای ما تاریک بود.
گویی این چراغهای روشن در این صحن (شهبای منظمی در افتند) از آن گاه که در تاریخ آن گفتند: (شهب منظمه).

دیگری ماده تاریخ زمان آبرسانی به نجف از رودخانه فرات در کوفه و از فاصله حدود ده کیلومتری است. لوله کشی این شهر بوسیله معین التجار و دوستش رئیس التجار را در سال ۱۳۴۳ هـ. ق. انجام شد:

أَجْرِي الْمُسْعِينُ مَعَ الرَّئِيسِ - عَلِيهَا
فَأَقَامَ طَيْرُ الْبِشْرِ فِيهِ مُؤْرَخاً
كُلُّ النَّاسِ - مَاءَ الْفِرَاتِ إِلَى الْغُرَى
(إِنَّ الْمُسْعِينِ لَهُ مَعِينُ الْكُوْتِرِ)

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۱۲/۲۴۷).

معین با رئیس، که ستایش و درود فراوان بر ایشان باد، هر دو با هم، آب رودخانه فرات را به نجف رساندند.

پرنده بشارت در تاریخ این رویداد، چنین ماده تاریخی گفته است: «إِنَّ الْمَعِينِ لَهُ مَعِينُ الْكُوْتِرِ» (چشمه کوثر از آن معین است).
زیبایی‌های این ماده تاریخ و تناسب آن با واقعه مورد نظر بر همگان روشن است.

۴ - وقایع و حوادث مهم

شیخ علی بازی ماده تاریخ پایان جنگ جهانی دوم را که شش سال به درازا کشید در ابیات زیر بیان کرده است. سال پایان این جنگ را ۱۳۶۴ هـ. ق در تاریخ نوشته‌اند.

سِتَّةِ اَعْوَامٍ عَلَى الْحَرْبِ مَضَتْ	وَالْبَغْيُ مَهْمَا خَمَدَتْ يُلْهَبُهَا
وَقَاسَمَتِ النَّاسُ الْأُمْرِينَ بِهَا	وَعَاثَ فِي بَرِيئَتِهَا مَذْنِبُهَا
وَأَلْمَرْتُمْ دِمَائُنَا مِنْ دُونِ مَا	فَانْدَه لِنَفْسِهَا تَجَلُّبُهَا
سَوَى حُرَّازَاتِ وَأَطْمَاعِ قَضَتْ	وَمَا اقْتَضَى مِمَّا ابْتَغَيْتْ مَارُهَا
فَهَيْتَلِرُ وَالْمَحُورُ الْيَوْمَ قَضَى	أَرْخَتْ (وَالْحَرْبُ انْجَلَى غَيْبُهَا)

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۸۲/۶)

این جنگ شش سال به طول انجامید، آتش جنگ هرگاه خاموش می شد ظلم و ستم آن را بر می افروخت چه رنجهایی که مردم بیگناه و ستم‌دیده در این سال‌ها از ستمکاران متحمل شدند و چه خون‌هایی که بیهوده ریخته شد. ولی در نهایت عاملان جنگ به اهداف خود نرسیدند و هیتلر و مدافعانش از بین رفتند.

ماده تاریخ پایان این جنگ را با عبارت (والحرب انجلی غیبها) بیان کردم. به معنای: ظلمت جنگ زایل شد.

تاریخ‌های شعری صریح و روشن

برخی از تاریخ‌های شعری به روشنی و بدون پیچیدگی تاریخ را بیان می‌کنند؛ مانند شعر تاریخ سید رضا هندی در تاریخ وفات سید مهدی بحرالعلوم. با اینکه شعرای زیادی در زمان فوت سید، ماده تاریخ‌های متنوعی برای آن در اشعار خود آوردند، ولی شیوایی ماده تاریخ این شاعر سبب شهرت آن گردید.

علامه بحرالعلوم در اوایل قرن سیزدهم، سال ۱۲۱۲ هـ. ق وفات کرد. سید رضا هندی در

قرن چهاردهم هجری می‌زیست و این اشعار را هنگام تجدید بنای آرامگاه علامه سروده است.

بِنَفْسِي إِمَامَ حَلِّ فِي خَيْرِ مَشْهَدٍ بَقِيَّتِهِ زُهْرَةَ الْكَوَاكِبِ تَهْنِدِي
وَقَدَسَتْ أَرْضًا قَلَّتْ فِيهَا مَوْزَخًا (يَغِيبُ بِهَا مَهْدِيُّ آلِ مُحَمَّدٍ)

(سید رضا هندی، ۱۴۰۹: ۱۴۹)

جانم به فدای پیشوایی که در بهترین زمین دفن شده است، ستارگان درخشان بواسطه گنبد و بارگاهش راهیابی می‌شوند.

تقدیس می‌کنم سرزمینی را که در تاریخ وفات پیشوایی که در آن قرار گرفته، چنین گفته‌ام: «یغیب بها مهدی آل محمد» (مهدی آل محمد در آن پنهان است).

یغیب بها = ۱۰۳۰، مهدی آل محمد = ۱۸۲، مجموع ۱۲۱۲.

سید باقر موسوی هندی دو بیت در ماده تاریخ ازدواج یکی از فقهای زمان خودش به نام سید علی شیرازی که در سامرا به سال ۱۳۰۶ اتفاق افتاد می‌گوید:

لَنْ زُوجَتْ أَرْسِي النَّاسِ مَجْدًا فَمَجْدُكَ يَسْتَخْفُ حَجِي رَضْوِي
يُخَارُ الْكَنُؤُلَ لِأَزْوَاجِ أَرْخِ (وَاللَّزْهْرَاءُ عَلِيٌّ خَيْرُ كَفْوَا)

(باقر هندی، ۱۴۱۴: ۱۱۷)

گرچه با اصیل‌ترین خانواده در مجد و عظمت وصلت کردی، اما بزرگی تو به گونه‌ای است کوه رضوی را کوچک و سبک می‌شمارد.

در ازدواج هر کس برای خود همتایی بر می‌گزینند، در تاریخ این پیوند بگو: «وللزهراء علی خیر کفوا» (زهره برای علی بهترین همتاست).

زیبایی این ماده تاریخ در اشاره به همسنگ بودن حضرت زهرا سلام الله علیها با امام علی علیه السلام است.

تاریخ‌های شعری پیچیده و معماگونه

در برخی اشعار برای پیدا کردن تاریخ باید قدری اندیشید، زیرا به روشنی بیان نشده است

مانند زمانی که از ماده تاریخ باید عددی را حذف یا به آن افزود. البته شاعر باید به این مطلب در ضمن اشعارش اشاره کند. به عنوان مثال، ماده تاریخ بی سابقه سال شهادت امام حسین علیه السلام به سال ۶۱ هـ شاهکار هنر سید رضا هندی است، وی می‌گوید:

صُرِّخَ النَّادِبُونَ بِاسْمِ طَهٍ وَعَلَيْهِ لَسْمٌ تَحْبِسُ الْمَاءَ عَيْنٌ
لَمْ يَصِيبُوا الْحُسَيْنَ إِلَّا قَفِيداً حِينَمَا أَرُخُوهُ (ابن‌الحسین)

در این ماده تاریخ با کنار گذاشتن کلمه الحسین از عبارت (ابن‌الحسین) مجموع حروف باقیمانده به حساب جمل ۶۱ می‌باشد. جمله لم یصیبوا الحسین الا قفیداً اشاره به حذف کلمه الحسین از ماده تاریخ داد. زیبایی این ماده تاریخ برای کسانی محسوس است که به خوبی با اشعار عربی آشنا باشند و با توجه به اینکه ساختن ماده تاریخ برای سالهای رقم پایین به ویژه دو رقمی به آسانی به دست نمی‌آید، هنر شاعر آشکار می‌شود. (چکامه هندی، ۱۳۷۰: ۱۳). در دیوان سید، بیت اول به این صورت ثبت شده است.

فَتَنَّفَ النَّادِبُونَ بِاسْمِ حُسَيْنٍ وَعَلَيْهِ لَمْ تَحْبِسِ الدَّمْعَ عَيْنٌ

(دیوان، ۱۴۰۹: ۱۴۶)

به نظر می‌رسد از جهت بلاغت و مناسبت روایت دیوان بهتر باشد. هرگاه عدد ماده تاریخ بیش از تاریخ مورد نظر باشد باید پیش از ذکر عبارت ماده تاریخ به گونه‌ای زیرکانه به این امر اشاره‌ای ضمنی بشود. همانگونه که در شعر فقیه نامور شیخ عبدالکریم جزایری مشاهده می‌شود. وی در ماده تاریخ ازدواج یکی از دوستانش می‌گوید:

مُدُّ طَاحَ قَلْبِ (هَدَى) نَفِي عَرَسِكُمْ جَذَلًا أَرُخْتَ (شَمْسِ الْهَدَى زَفْتِ الْي قَمَرِ)

هنگامی که قلب (هدی) به شادی در این پیوند افتاده تاریخ ازدواج را چنین گفتم: «شمس

الهدی زفت الی قمر» خورشید هدایت به عقد ازدواج ماه درآمد.

هدی نام عروس است. مجموع عدد به دست آمده از این ماده تاریخ یعنی از عبارت (شمس الهدی زفت الی قمر) به حساب جمل از تاریخ مورد نظر، ۴ تا بیشتر است، با اشاره به کلمه (طاح قلب الهدی) یعنی حذف دال الهدی [دال = ۴] از مجموع ارقام جمله، ماده تاریخ

مساوی با تاریخ ازدواج می‌شود که سال ۱۳۱۴ هـ. ق. بوده است. مجموع اعداد عبارت (شمس الهدی زقت الی قمر) به حساب ابجد ۱۳۱۸ می‌شود با کم کردن عدد ۴ از این رقم، با تاریخ مورد نظر مطابق خواهد شد. در عبارت شمس الهدی مشبه به، به مشبه اضافه شده است. - عبدالمجید عطار از فقهای قرن اخیر در رثای شیخ مرتضی انصاری و تاریخ وفات وی می‌گوید:

أیُّ یومٍ للمرضی قد شجانا کاذبُ النَّمِّ من شجاء نسیخُ
رابعُ المرتضی اذا ما قَدَّناها نیانی حسرونیسه التاریخُ

(بحرالعلوم، ۱۴۲۷: ۱۴۷)

روز وفات مرتضی ما را غمگین کرد و [از عظمت مصیبت] نزدیک بود که کوههای بلند فرو پاشیده شود.

هرگاه [حرف] چهارم المرتضی را از دست بدهیم، حروف باقیمانده تاریخ فوت وی است. چنانچه حرف چهارم المرتضی، حروف (ر) را از آن حذف کنیم مجموع حروف باقیمانده به حساب ابجد، ماده تاریخ سال از حال شیخ اعظم، مرتضی انصاری، می‌شود. سال وفات وی بنا بر آنچه در کتابهای تراجم، ذکر شده است سال ۱۲۸۱ هـ. ق. می‌باشد. (امینی، ۱۴۱۳: ۱۸۷/۱)

- سید مهدی بحرالعلوم در ماده تاریخ بازگشت شیخ جعفر کاشف الغطاء از سفر حج که به سال ۱۱۹۸ بوده، چنین گفته است:

عَجِبْتُ من سائلِ تاریخه وفي السُّؤالِ سؤله مُضمرُ
بیغی جِواباً وَهُوَ ذا بَینُ بلا جِوابِ ظاهرِ مسفرُ
عِسامِ قدومِ ذا ولِلحجِّ قَل قد فاز فی الحجِّ الفتی جعفرُ

در شگفتی از کسی که تاریخ بازگشت شیخ جعفر کاشف الغطاء را از سفر حج از من سؤال می‌کند، با اینکه پاسخ پرسش او در سؤالش نهفته است.

پاسخ می‌خواهد و حال آنکه پاسخ سؤال بدون جواب روشن است در سال بازگشت ایشان از حج بگو: «قد فاز فی الحج الفتی جعفر» (جعفر جوانمرد در حج رستگار شد). در این شعر تاریخ ضعف ساختار جمله آشکار است. شاعران در پاره ای از موارد به دلیل تنگنا گرفتار ضعف ساختاری می‌شوند.

محاسبه این ماده تاریخ پیچیده است و نیاز به توضیح دارد. سید محمد صادق بحر العلوم در توضیح این ماده تاریخ می‌گوید: کلمه تاریخ به حساب ابجد ۱۲۱۱ است و کلمه جواب مساوی ۱۲. هرگاه از عدد تاریخ کسر شود حاصل ۱۱۹۹ می‌شود که برای به دست آمدن سال حج عدد یک هم از آن کم می‌شود و نتیجه ۱۱۹۸ می‌گردد. (بحر العلوم، ۱۴۲۷: ۱۴۸ - ۱۴۷) تاریخ شعری مستقل

برخی از اشعار تاریخ به طور مستقل در یک یا دو بیت ماده تاریخ واقعه‌ای را نشان می‌دهد مانند شعر سید باقر هندی در بیان تاریخ فوت پدرش سید محمد:

یا زائراً خیر مرقد فیه الصلاح مؤسّد
سلم وصلّ وأرّخ (وزر ضریح محمد)

ای زائری که بهترین آرامگاه را زیارت می‌کنی. در این مزار خیر و صلاح آرمیده است. سلام کن و درود بفرست و در تاریخ فوت وی بگو: «وزر ضریح محمد» (زیارت کن آرامگاه محمد را)!

سال وفات ۱۳۲۳ هـ. ق بوده است. (باقر هندی، ۱۴۱۴: ۱۱۷)

- شیخ علی بازی در ماده تاریخ تجدید بنای مسجد کوفه در سال ۱۳۷۴ گفته است:

ذا مسجدُ الكوفة خیرُ مسجدٍ فرضُ علی کلِّ الوری تقدیسهُ
إن رُمّتْ أن تُعرفَ تاریخهُ (فمسجدُ علی التقوی تأسیسهُ)

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۳۸۷/۶)

بهترین مسجد، این مسجد کوفه است. بر همه مردم تقدیس آن واجب است.

اگر بخواهی تاریخ تجدید بنای آن را بدانی، ماده تاریخ آن این جمله است: «مسجد علی التقری تأسیسه» (این مسجدی است که تأسیس آن بر [پایه‌های] تقوا است)!

- شیخ مجید عطار حلی در تاریخ وفات فقیه نامور مرحوم محمد طه نجف که به سال ۱۳۲۳ اتفاق افتاده، می‌گوید:

صَرَخَ الدِّينُ ثَلَاثًا عِلْمَ التَّارِيخِ (مات)

(همان: ۳۹۱/۹)

دین سه بار فریاد برآورد که (از دنیا رفت). [و با این تکرار] تاریخ وفات وی دانسته شد. تاریخ وفات این فقیه با محاسبه عدد (مات) به حساب ابجد که ۴۴۱ می‌باشد و با ضرب کردن در سه که حاصل آن ۱۳۲۳ می‌شود، بدست می‌آید.

تاریخ شعری ضمنی

بیشتر اشعار تاریخ در ضمن یک قصیده و به ویژه در پایان آن آورده می‌شود، مانند قصیده مشهور سید مهدی بحرالعوم در رثای فرزندش سید محمد. این قصیده ۳۱ بیت دارد. مصراع دوم آخرین بیت آن ماده تاریخ وفات نامبرده را نشان می‌دهد که به سال ۱۲۰۰ هـ. ق بوده است. با توجه به زیباییهای ادبی و بلاغی آن، چند بیتی از آن را نقل می‌کنیم. شاعر در آغاز از فانی بودن دنیا و جدایی از دوستان و درد فراق سخن می‌گوید، سپس به مرثیه فرزند می‌پردازد. این قصیده به سبک مرثیه مشهور شاعر قرن پنجم هجری ابوالحسن علی بن محمد تهامی در سوگ فرزندش سروده شده، که در سال ۴۱۶ هـ. ق مخفیانه به مصر سفر کرده بود و در زندان مصر کشته شد. شباهت در آن است که هر دو همدرد بودند، و هر دو در حال حیات خویش فرزند از دست داده بودند و اندوه خود را با سرودن قصیده‌ای جانسوز ابراز داشتند. ابن خلکان می‌گوید: یکی از یاران ابوالحسن تهامی او را در خواب دید، از او پرسید، خداوند متعال با تو چگونه رفتار کرد؟ پاسخ داد: مرا بخشید. از او سؤال کرد، در ازای کدام کار نیکت؟ جواب داد، در مقابل این بیت شعری که در قصیده رثای فرزند کوچکم سرودم:

جسارتُ اعدائی وجاور ربه شأن بین جواره و جوارى

(ابن خلکان، بی تا: ۳۷۸/۳)

[پس از مرگ فرزندانم] با دشمنانم همنشین شدم ولی او در جوار [رحمت] پروردگارش
قرار گرفت، چه تفاوت زیادی هست میان همنشینی من و مجاورت او!
قصیده بحرالعلوم با این بیت آغاز می‌شود:

عِشٌّ ما تشاءُ فغایه الأحياءِ موتٌ وما الدنيا بدار بقاءِ

هر قدر می‌خواهی زندگی کن [ولی بدان] سرانجام موجودات زنده مرگ است، و دنیا
سرای جاودانی نیست.

سپس در ادامه می‌گوید:

قَدِمْتُ مَنْ كُنْتُ أَرْجُو أَنَّهُ خَلَّفْتُ عَنِ الْأَجْدَادِ وَالْآبَاءِ
ذاك الذى شغف القلوبُ بحبِّه أودى وأبقى الحزنُ فى الأحشاءِ

از دست دادم کسی را که امیدوار بودم جانشین نیاکان و پدران بشود.
همان کسی که قلبها شیفته و عاشق او بود، ولی با ارتحال و مرگش، غم و اندوه جدایی در
قلبها باقی گذاشت.

و در آخرین بیت قصیده می‌گوید:

دُرٌّ تاتر حین ما أرخته (انی اذخرت محمداً لرجائی)

(بحرالعلوم، ۱۴۲۷: ۱۳۶ - ۱۳۱)

دانه های مروارید پراکنده شدند هنگامی که در تاریخ وفات او گفتم: «انی اذخرت محمداً
لرجائی» (محمد را امید و ذخیره آخرت خویش گردانیدم).

با مراجعه به دیوان بحرالعلوم روشن می‌شود که تمام ماده تاریخ‌های شعر او در ضمن
قصائدی است که به مناسبت‌های گوناگون سروده است.

ماده تاریخ‌های یک واقعه در اشعار شعرای مختلف

در رویدادهای مهم تاریخی مانند درگذشت مراجع تقلید، فقها ضمن گرامی‌داشت ایشان، هریک به فراخور حال خود ماده تاریخی برای آن حادثه ذکر می‌کردند. تفاوت توانایی و چیره دستی شعرا در این هنر با این گونه اشعار آشکار می‌شود. مثلاً در تاریخ وفات سید بحرالعلوم که به سال ۱۲۱۲ هـ. ق رخ داد، سید احمد عطار گفته است:

اصیب به الاسلام حزناً فأرخوا (أثار مصاب القائم السید المهدی)

(بحرالعلوم، ۱۴۲۷: ۳۹ - ۳۸)

با فقدان وی اسلام مصیبت زده شد پس در تاریخ آن گفتند: «أثار مصاب القائم السید المهدی» (سید مهدی مصیبت امام زمان را برانگیخت)
سید محمدجواد عاملی شاگرد سید بحرالعلوم، همین تاریخ را با ماده تاریخی دیگر در بیت زیر بیان کرده است:

قد ذاب فیک فؤادُ الدین من حزن فأرخوا (غاب مهدی الهدی فیک)

(همان: ۳۹)

از غم، دل دین [در مصیبت فقدان تو] ذوب شد پس ماده تاریخ آن را چنین گفتند: «غاب مهدی الهدی فیک» (مهدی هدایت در تو غایت گشت)
و اعیان الشیعه تاریخ وفات بحرالعلوم را از سید جواد عاملی این گونه نقل کرده است:

وراح فؤادُ الدین یعنی مؤرخاً (علیک سلام الله یا خیر سید)

(امین، ۱۴۰۳: ۱۰/۱۶۰)

قلب دین مویه کنان تاریخ وفات را بیان می‌کند: «علیک سلام الله یا خیر سیدی» (درود خدا بر تو ای بهترین سرور)

ماده تاریخ اول مطابق با سال وفات سید است، ولی شعر تاریخ دوم در جمع اعداد ۱۲۲۲ می‌شود که ده شماره بیشتر است، اما با توجه به مصراع اول که گفته است: (ذاب فیک فؤاد

الدین) عدد حرف [ی] که وسط کلمه دین است و معادل ۱۰ است کم می‌شود و نتیجه ۱۲۱۲ می‌شود و این مطابق با سال وفات سید است. اما نقل سید محسن امین ظاهراً اشتباه است زیرا عددی که از محاسبه عبارت ذکر شده به دست می‌آید با سال وفات مطابقت نمی‌کند و مجموع آن ۱۱۹۳ می‌شود.

ماده تاریخ‌های متفاوت برای یک واقعه در اشعار یک شاعر

برخی از علما برای نشان دادن هنر خود در شعر تاریخ به تفنن پرداخته‌اند و برای تاریخ یک رویداد، ماده تاریخ‌های متنوع آورده‌اند. شیخ علی بازی در تاریخ وفات فقیه بزرگ شیخ محمدحسین کاشف الغطاء هفت ماده تاریخ ذکر کرده، که به پنج مورد آن اشاره می‌کنیم. سال وفات ایشان ۱۳۷۳ می‌باشد.

- ۱

مَدینة العلم بکَّتْ قَطْبُهَا	وَمَنْ إِلَى الْإِسْلَامِ أَنْسَانَ عَيْنِ
وَحِجَّةُ الْعَظْمَى مِثَالُ التَّقَى	فَقِيهُ شَرَعٍ شَافِعِ النَّشَاطِينَ
قَدْ فَقَدْتَ خَيْرَهُ تَارِيخُهَا	(وَأَفْتَقَدْتَ فَيْكَ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ)

شهر علم در [فقدان کسی که] قطب آن بود گریست و کسی که نور چشم اسلام بود و حجت بزرگ اسلام، نمونه تقوی، فقیه دین [اسلام] و شفاعت کننده دو جهان بود این شهر بهترینی را از دست داد که تاریخ آن است «وافتقدت فیک الامام الحسین» (فقدان امام حسین [کاشف الغطاء] در تو است).

- ۲

قَضَى الْحُسَيْنُ نَحْبَهُ وَ أَسْفَا	وَالشَّرْعَ الْغَرَّأَ بَكْتِ مَخْتَارِهَا
اللَّهُ لِمَا لِلْجَنَانِ اخْتَارَهُ	لَبَّاهُ أَرْخَ (وَالْحُسَيْنِ اخْتَارِهَا)

با اندوه حسین (شیخ محمدحسین کاشف الغطاء) از دنیا رفت. شریعت روشن [اسلام] بر برگزیده‌اش گریست. هنگامی که خداوند او را برای بهشت برگزید، به این ندا لبیک گفت.

تاریخ این حادثه را این گونه بیان کن: «والحسین اختارها».

- ۳ -

مصاب حسین حجه الله فی الوری
 كما صدع الوحی المبین مؤرخاً
 أصیب به آیاته و کتابه
 (بأن عظیماً بالحسین مصابه)

با فقدان حسین [کاشف الغطاء]، حجت خداوند در میان مردم و همچنین آیات و کتاب خدا مصیبت زده شدند همچنان که در دین مبین هم شکاف ایجاد شد. در تاریخ آن گفته شده: «بأن عظیماً بالحسین مصابه».

- ۴ -

هتف النعی یفقد من کشف العظا
 کتب القضا مذ أرخوه بیابه
 للمسلمین وقد أذیع بیانه
 (بعد الحسین تهدمت أركانها)

خبر آوردنده از مرگ، با فقدان کسی که پرده (نادانی) را از مسلمانان کنار زد، فریاد برآورد و پیامش منتشر گشت. قضا و قدر حتمی نازل شد زمانی که تاریخ آن را این گونه گفتند: «بعد الحسین تهدمت اركانها» (پس از حسین پایه‌های دین فرو ریخت).

- ۵ -

ذا مرقد ضمّ عظیماً بکمت
 و شرعه الاسلام تسأریخها
 لفقدته لما قضی کل عین
 (بندیها عند ضریح الحسین)

این آرامگاهی است که مرد بزرگی را دربر گرفته است. هنگامی که درگذشت در فقدان او هر چشمی گریه کرد و شریعت اسلام بر وی گریست. تاریخ این حادثه «بندیها عند ضریح الحسین» می‌باشد.

(خاقانی، ۱۴۰۸: ۱۲۰/۸ - ۱۲۹)

شکی نیست که تمام این ماده تاریخ‌ها در زیبایی و رسایی یکسان نیستند، در بعضی از آنها

تکلف آشکار است.

جلوه‌ای از زیبایی‌های شعر تاریخ

(۱) سید رضا هندی در قصیده مشهور خود معروف به صاحبیه که در ردّ بر قصیده بغدادیه سروده، می‌گوید:

ومولده (نور) به تشرق الهدی وقیل لظامی العدل مولده (نهر)

این بیت گویای مطالب ارزشمندی است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱ - سید در این بیت به دو مورد مهم و اساسی از اهداف و مأموریت‌های امام زمان (عجل الله فرجه) یعنی هدایت و عدالت، اشاره می‌کند: با ولادت آن حضرت نوری بر عالم تابیده که کار آن روشنگری و هدایت است او همچون خورشید فروزانی است که گرچه از نظرها پنهان است ولی همچون خورشید پشت ابر همه اهل عالم از برکات رجود او بهره‌مند می‌شوند. نور هدایت او دل‌های خفته را بیدار و قلب‌های تاریک را روشن می‌کند. او کسی است که با ولادت خود جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد.

سید با کلمه «نور» و «نهر» به این دو مطلب اساسی اشاره کرده است. آیا برای هدایتگری کلمه‌ای بهتر از «نور» و برای سیراب کردن تشنگان عدالت در هنگامی که جهان پر از ظلم و جور شده، کلمه‌ای مناسبتر از «نهر» پیدا می‌شود؟ ممکن است گفته شود کلمه «بحر» برای سیراب کردن تشنگان مناسبتر است؛ ولی حق این است که این چنین نیست، زیرا آب دریا شور و تلخ است در حالی که آب نهر معمولاً برای نوشیدن گواراست.

۲ - سید با کلمه «نور» تاریخ ولادت امام زمان (عجل الله فرجه) را بیان کرده است، زیرا بر اساس حساب ابجدی عدد حاصل از این کلمه ۲۵۶ است و این همان سال ولادت آن حضرت است.

۳ - سید با کلمه «نهر» که بر اساس حساب جمل ۲۵۵ است به اختلافی اشاره کرده که در

تاریخ ولادت آن حضرت وجود دارد، چرا که برخی علما همچون کلینی ولادت آن حضرت را سال ۲۵۶ هـ. ق و برخی دیگر همچون مجلسی ۲۵۵ ذکر کرده‌اند.

۴ - سید با دو کلمه «نور» و «نهر» که نماد خیر و برکت است و قوام زندگی بشر به آن دو وابسته است، تاریخ این واقعه مهم و سرنوشت ساز و اختلاف در آن را در ذهن خواننده و شنونده ثبت می‌کند، چرا که به خاطر سپردن دو کلمه «نور» و «نهر» از به خاطر سپردن دو عدد آسان‌تر و ماندگارتر است، زیرا اعداد زود فراموش می‌شوند، ولی کلمات و ابیات زیبا اغلب در یادها می‌مانند.

(۲) شیخ جعفر کاشف الغطا (م ۱۲۲۸ هـ) تاریخ شفای سید محمدمهدی بحرالعلوم را از بیماری سختی که دچار آن شده بود این گونه بیان کرده است.

الحمد لله على العافية
قد ذاب قلب الوجد في تاريخها
كافية لخلق شافيتك
«شفاء داء الناس في عافيتك»

سپاس خداوندی را که با شفای تو به مخلوقاتش عافیت کامل بخشید.
اساس غم در این تاریخ برطرف شد زیرا شفای درد مردم در تندرستی توست.
زیبایی این شعر تاریخ در این است که مجموع حروف جمله «شفاء الناس فی عافیتک» به حساب ابجدی از تاریخ شفا یافتن سید بحرالعلوم سه عدد افزون است زیرا شفای او در سال ۱۱۹۶ بود. در این شعر تاریخ دو توریه به کار رفته است: یکی مقصود از قلب وجد: که مقلوب آن یعنی دجو است، دجو به معنی ظلمت و تاریکی و کنایه از غم و اندوه است و معنی بیت این چنین می‌شود که با شفا پیدا کردن بحرالعلوم، مقلوب وجد که دجو باشد از بین رفت. توریه دیگر با حذف عدد سه که مقدار عددی حرف جیم است و این حرف وسط کلمه وجد قرار گرفته است، تاریخ شفا یافتن سید بحرالعلوم با سال ۱۱۹۶ مساوی خواهد شد. زیبایی این نوع تاریخ شعری تنها برای کسانی محسوس است که به خوبی با شعر عربی آشنا باشند.

(محبوبه، ۱۴۰۶: ۱۳۹/۳)

(۳) محمد نحوی (م ۱۲۲۶ هـ) در رثای سید احمد بن محمد قزوینی (م ۱۰۸۵ هـ) قصیده مفصلی دارد که در آخرین بیت آن تاریخ وفات وی را این گونه بیان کرده است:

وأهل الكساء وافوا اليه فأرخوا
(لقد تلم الاسلام من بعد أحمد)

اهل کسا (خمسه طيبه عليهم السلام) به او پاداش دادند و تاریخ وفات وی را این چنین گفتند «پس از احمد رخنه‌ای در اسلام پدید آمد».

زیبایی این ماده تاریخ شعری از جهات زیر است:

۱ - جایگاه رفیع سید احمد قزوینی را بیان می‌کند.

۲ - متضمن حدیث شریف مشهوری است که «إذا مات العالم تلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء».

۳ - نام متوفی در ماده تاریخ ذکر شده است. (سماوی، ۱۴۲۲: ۲۲۵/۲)

(۴) جعفر نقدی (م ۱۳۷۰ هـ) درباره تاریخ تجدید بنای مسجد کاشف الغطاء، که به همت یکی از افراد این خانواده به نام شیخ احمد کاشف الغطاء انجام گرفت، می‌گوید:

قلت لَمَّا كملت أركانہ
وعدا یسطع فی الكون سناه
أرخوه «مسجد جدّه» احمد تمّ علی التقوی بناء»

هنگامی که بنای ستونهای مسجد کامل گردید و روشنایی آن جهان هستی را فرا گرفت.

تاریخ آن را این گونه بیان کردند «مسجدی را که احمد بنای آن را تجدید کرد بر تقوا و پرهیزکاری استوار است».

زیباییهای این شعر تاریخ در موارد زیر است:

۱ - موضوع تجدید بنا در ماده تاریخ گنجانده شده است.

۲ - نام تجدید کننده ساختمان مسجد ذکر شده است.

۳ - مهتر از آن دو با اقتباس از آیه شریفه «المسجد اسس علی التقوی من اول یوم احقّ أن تقوم فیه» [سوره توبه: ۱۰۸]، شاعر نهایت ستایش خود را نسبت به این مسجد نشان داده است. (محبوبه، ۱۴۰۶: ۱۲۹/۳)

(۵) سید صادق موسوی هندی (م ۱۳۸۴ هـ. ق)، ماده تاریخ شعری فوت عالم بزرگوار سید مشکور طالقانی را این چنین سروده است:

زعیب ایمان به یقّدی وفضله للناس مشهور
قد فجع الاسلام اریخ: «به» وسعیه للناس مشکور»

وی رهبر ایمانی است که به او اقتدا می‌شود و فضل او برای مردم مشهور است. تاریخ فوت او را بیان کن: «اسلام در مرگ او سوگوار شد کوشش او برای مردم مورد سپاس می‌باشد».

درباره زیباییهای این شعر تاریخ می‌توان گفت:

اولاً: شاعر جایگاه متوفی را از نظر دینی بیان کرده است.

ثانیاً: تلاش وی برای رفع نیازمندی‌های مردم ذکر شده است.

ثالثاً: از آیه شریفه «إنّ هذا کان لکم جزاءً وکان سعیکم مشکوراً» [سوره الانسان: ۲۲] اقتباس کرده است. (فتلاوی، ۱۴۲۳: ۲۴۶/۱)

نتیجه

شعر تاریخ از فنون ادبی است که ظاهراً سابقه تاریخی طولانی ندارد و بیشتر در اشعار علمای شیعه در دو قرن اخیر دیده می‌شود. تاریخ شعری معمولاً برای ثبت آهنگین رخ داده‌های غم‌بار یا مسرت بخش یا حوادث مهم تاریخی سروده شده است و اهداف گوناگونی را دنبال می‌کند و در موضوعات متنوعی پدید آمده است. مهم آن که این ماده تاریخ‌ها اغلب همراه با بیان اعتقادات دینی شاعر یا احساس قلبی او نسبت به فرد مذکور در شعر است که به صورت دعا و امثال آن بیان می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

- امین، سید محسن. (١٤٠٣ هـ. ق.). *احیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، محمدهادی. (١٤١٣ هـ. ق.). *معجم رجال الفكر والأدب فی النجف خلال الف عام*. ط ٢.
- بحرالعلوم، محمد مهدی. (١٤٢٧ هـ. ق / ٢٠٠٦ م.). *دیوان سید محمد مهدی بحرالعلوم*. جمع محمد صادق بحرالعلوم. تحقیق حیدر شاکر الجد و محمد جواد فخرالدین. ط ١. النجف الاشراف: المكتبة الأدبیه المختصه.
- بکری، شیخ امین. (١٣٨٣ هـ. ش.). *پژوهشی در شعر مملوکیان و عثمانیان*. ترجمه دکتر عباس طالب زاده شوشتری. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- خاقانی، علی. (١٣٨٤ هـ.). *شعراء القرى*. الطبعة الاولى. قم: انتشارات المكتبة الحیدریه.
- زیدان، جرجی. (بی تا). *تاریخ آداب اللغة العربیه*. دار مکتبه الحیاه.
- سماوی، محمد. (١٤٢٢ هـ / ٢٠٠١ م.). *الطلیعه من شعراء الشیعه*. ط ١. بیروت: دارالمؤرخ العربی.
- شیر، جواد. (الطبعة الاولى). *ادب الطف أو شعراء الحسین*. بیروت: مؤسسه التاریخ.
- عبداللهی، حسن. (نیمه شعبان ١٤١٩). *سیمای امام مهدی (عجل الله فرجه) در شعر عربی*. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات صاحب الزمان (عجل الله فرجه).
- فتلاوی، کاظم عبود. (١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٢ م.). *مستدرک شعراء القرى*. ط ١. بیروت: دارالاضواء.
- فقیه، رضوان سعید. (١٤٢٢ هـ. - ٢٠٠٢ م.). *الکشف فی الاعجاز القرآنی و علم الحروف*. ط ١. بیروت: دار المحججه البیضاء. دار الرسول الاکرم.
- قمی، عباس. (١٣٨١). *منتهی الآمال*. تهران: فرارو.
- محبوبه، جعفر. (١٤٠٦ هـ. - ١٩٨٦). *ماضی النجف وحاضرها*. ط ٢. بیروت: دارالاضواء.
- موسوی، عبدالصاحب. (١٤٠٨ هـ. - ١٩٨٨). *حرکه الشعر فی النجف الاشراف و أطواره خلال القرن الرابع عشر الهجری*. ط ١. بیروت: دار الزهراء.
- موسوی هندی، سید باقر. (١٤١٤ هـ.). *دیوان*. الامام الهادی علیه السلام. ط ١.
- موسوی هندی، سید رضا. (١٣٧٠ هـ. ش.). *چکامه کوثریه*. چاپ اول. تهران: مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور.
- (١٤٠٩ هـ. - ١٩٨٨ م.). *دیوان*. جمعه السید موسی الموسوی. ط ١. دارالاضواء.